



افغانستان: امروز و فردا!

قسمت اول

مقدمه:

بعد از بیست سال تجدید قوا و جنگ، در پانزدهم اگست سال ۲۰۲۱ جنگجویان طالبان ارگ ریاست جمهوری را در کابل دوباره اشغال کردند. دره پنجشیر و بخش‌هایی از ولسوالی اندراب از محلاتی بود که گروه طالبان پس از تصرف افغانستان در آن با مقاومت روبرو شدند. احمد مسعود و شماری از مقام‌ها و نیروهای دولت پیشین "جبهه مقاومت ملی" را تشکیل دادند. طالبان حدود دو هفته پس از تصرف کابل توانستند پنجشیر را نیز متصرف شوند. محمد اشرف غنی، رئیس جمهور چند روز بعد، در ویدیویی که از فیسبوکش نشر شد، گفت که برای "جلوگیری از خونریزی" تصمیم گرفت که از کشور خارج شود. او گفت که در امارات متحده عرب است. او طالبان را برنده "داوری شمشیر و تفنگ" خواند و گفت که اکنون آنها مسئول حفاظت از "عزت نفس، ثروت و شرافت" مردم افغانستان هستند. آنچه به تاریخ ۱۵ اگست ۲۰۲۱م واقع شد در حقیقت شکست بیست سال تلاش برای برقراری یک دولت جمهوری متکی به اساسات دموکراتیک محسوب می‌گردد.

قبل از روی کار آمدن مجدد طالبان در افغانستان، شاهد دو سال تلاش ناموفق برای به ثمر نشستن مذاکرات دیپلماتیک با طالبان برای دستیابی به توافقی بر سر نحوه تقسیم قدرت در کابل بودیم. اما با ورود نیروهای طالبان به کابل، و تسلیم پایتخت از سوی دولت بدون هیچ گونه مقاومت و درگیری، امکان توافق و مشارکت در قدرت را باید تا حد زیادی از دست رفته دانست.

حالا شش ماه میشود مردم افغانستان در زیر سایه تفنگ طالبان زیر عنوان دولت "امارت اسلامی افغانستان" زندگی میکنند. تجربه ششماه گذشته تایید میکند که طالبان افراطی ترین گروه مذهبی در افغانستان و منطقه بوده روش حکومتداری آنها بر اساس تعبیر تحت اللفظی احکام شریعت اسلامی^۱، کاملاً مخالف ارزشهای مدنی و اجتماعی زندگی شهری در قرن بیست و یکم میباشد. در سالهای اخیر حتی در عربستان سعودی، که دولت آن مطابق احکام شرعی اداره میشود، تطبیق تحت اللفظی احکام شریعت را کنار گذاشته به ارزشهای مدنی و اجتماعی زندگی شهری در قرن بیست و یکم و قوانین مدنی رو آورده است.

رژیم طالبان تاکنون از طرف جامعه جهانی برسمیت شناخته نشده است تا جاییکه حتی ولی نعمتان طالبان در وجود دولتهای پاکستان، عربستان سعودی و امارات متحده عرب، که بیست سال قبل رژیم آنها را برسمیت شناخته بودند، تاکنون از شناخت رسمی رژیم دور دوم امارت اسلامی طالبان خودداری کرده اند. حتی اجلاس چند ماه قبل ۵۶ کشور اسلامی جهان در اسلام آباد رژیم طالبان را برسمیت نه شناخت.

در این نوشته می کوشیم یک ارزیابی بیطرفانه از اوضاع کشور زیر حاکمیت دولت امارت اسلامی طالبان نموده ببینیم که وضعیت فعلی در مقایسه به آنچه قبلاً مردم افغانستان از آن برخوردار بودند چگونه است و فردای افغانستان در صورت ادامه رژیم طالبان چگونه خواهد بود.

امروز:

در شش ماه گذشته اوضاع اقتصادی کشور بشدت و به سرعت رو به وخامت گذاشت. در حله اول تعداد کثری از مردم از دهات، و مراکز ولسوالیها از ترس خرابی امنیت و خطرات حملات انتقام جویانه به مراکز شهری ولایات هجوم آوردند. با بسته شدن سرحدات، بسته شدن بانکها، عدم موجودیت پول نقد در بانکها، منجمد شدن ذخایر پولی د افغانستان بانک در بانکهای خارج و بخصوص امریکا، وضع تغذیرات در مقابل دولت امارت اسلامی توسط امریکا، منجمد شدن کمکهای ملیارد دالری شامل صندوق اعمار مجدد افغانستان توسط بانک جهانی، توقف صادرات و واردات کشور و در نتیجه تقلیل عواید گمرکی، مسدود شدن ادارات و دستگاههای تولیدی و خدماتی و جلوگیری از کار زنان در خارج از منزل، ماشین اقتصادی کشور از چرخش باز ماند، بلند رفتن میزان انفلاسیون سبب افزایش قیمتها و بخصوص قیمتهای مواد ارتزاقی شده در مدت کوتاهی خطر

^۱ بدون توجه به موجه بودن این احکام با شرایط امروزی.

فقر سراسری نیمی از مردم کشور را تهدید نمود. در این شرایط که مردم در تلاش زنده ماندن و نجات خانواده های خود از خطر فقر قرار دارند، مسائل حقوق بشر، حقوق زنان، حقوق مدنی مردم، تعلیم و تربیه و نحوه حکومت و حکومتداری برای اکثریت مردم اهمیت درجه دوم پیدا کرده است. در عین حال این طرز دید دولت امارت اسلامی طالبان که مشکلات اقتصادی و رفع مشکلات زندگی مردم وابسته به میثت الهی بوده و دولت امارت اسلامی در این مورد مسولیت ندارد نیز در امر بهبود اوضاع امیدوار کننده نبوده است.

موافقین و مخالفین دولت امارت اسلامی طالبان!

صرف نظر از عکس العمل کشورهای جهان، بیابید به بینیم که مردم افغانستان چه نظری در مقابل رژیم دولت امارت اسلامی طالبان دارند؟

موافقین و حامیان دولت امارت اسلامی طالبان را در میان افغانها گروههای ذیل تشکیل میدهند:

۱. افراد وابسته به تحریک طالبان بشمول صفوف، جنگجویان و رهبران آنها و کسانیکه علاقمند انفاذ تحت اللفظی احکام شریعت اسلامی در سطح یگانه قانون میباشند؛

۲. کسانیکه موجودیت قوای امریکایی و ناتو را در افغانستان قوای اشغالگر تلقی می کردند؛

۳. پشتونهاییکه از حذف سیاسی قوم پشتون در حاکمیت (۱۹۹۲-۱۹۹۶م) ربانی- مسعود ناراضی بودند؛

۴. پشتونهاییکه از تقسیم غیر عادلانه قدرت دولتی به نفع اتحاد شمال بر اساس کنفرانس بن (۲۰۰۱-۲۰۰۴م) ناراضی بودند؛

۵. افغانهاییکه از قانون شکنی و عدم پذیرش پیهم نتایج سه انتخابات (۲۰۰۹، ۲۰۱۴، ۲۰۱۹) توسط مافیای داخل دولت ناراضی بودند؛

۶. افغان هاییکه از ادامه هجوم فرهنگی ایرانیها بر ضد مبانی هویت مشخص ملی کشور افغانستان ناراضی بودند؛

۷. افغانهاییکه از تلاشهای مذبوحانه تجزیه طلبان، خراسان طلبان، فدرال طلبان و افغانستان ستیزی، افغان ستیزی و پشتون ستیزی این گروهها به تنگ آمده بودند؛

۸. افغانهاییکه از موجودیت جزیره های محلی قدرت در کشور زیر کنترل گروههای سابقه جهادی ناراضی بودند؛

۹. کسانیکه اداره دیکتاتور منشانه دولت را توسط یک رهبر مقتدر، حزب یا گروه سیاسی، در شرایط امروزی لازم میدانند به موجودیت یک رهبر پنجه آهنین در مرکز مانند امیر عبدالرحمن خان

و یا مانند سردار محمد داوود خان چشم دوخته بودند. برای این افراد آزادیهای، مدنی، سیاسی و دموکراسی اهمیت درجه دوم دارد؛

۱۰. چاپلوسان و کسانی که آزادی های مدنی، اجتماعی و فرهنگی را در کشور بی بند و باری تلقی میکردند؛ و بالاخره

۱۱. افغان هاییکه از ادامه فساد گسترده اداری، مالی و اخلاقی در داخل دولت و غضب دارایی های ملی و شخصی و امکانات اقتصادی کشور توسط مافیای داخل دولت، به ستوه آمده بودند.

البته نباید فراموش کردهستند تعداد زیاد افرادی که به یک یا چند گروه فکری فوق تعلق می گیرند اما با طرز تفکر سیاسی و اجتماعی طالبان، نحوه به قدرت رسیدن و شیوه حکومتداری طالبان موافق نمی باشند.

اما آنچه مبرهن است این است که تمام گروههای فوق از متواری شدن تجزیه طلبان، خراسان طلبان، فدرال طلبان قوم گرا، افغانستان ستیزان، افغان ستیزان، پشتون ستیزان، دزدان دارایی های ملی، مافیای داخل دولت راضی بوده و ختم جزیره های قدرت و تحکیم قدرت دولت مرکزی را برای بقا افغانستان ضروری میپندارند. بسیاری معتقد اند که تنها طالبان قادر بودند کشور را از وجود این تفیلی ها پاک کنند!

مخالفین حاکمیت طالبان چه کسانی اند؟

مخالفین حاکمیت طالبان را میتوان به سه گروه بزرگ تقسیم کرد: معامله گران، تجزیه طلبان و آزادی خواهان.

اول- معامله گران: این افراد شامل رهبران جهادی سابق، افراد شامل در قدرت دولتی گذشته که امتیازات خود را از دست داده اند، فرصت طلبان و چاپلوسها. این افراد برای شریک شدن در قدرت و بدست آوردن امتیازات از دست رفته خود حاضر به هر معامله گری میباشند؛

دوم- تجزیه طلبان: این افراد کسانی اند که هیچ آینده برای خود در دولت افغانستان نمی بینند و تمام امیدهای اینان به معجزه و کمک کشورهای همسایه در عملی نمودن تجزیه افغانستان نهفته است. فارسیست ها، خراسان طلبان، فدرال طلبان، افغان، پشتون و افغانستان نرفتار، شامل این گروه ها اند؛

سوم- آزادی خواهان: ملی گرایان، لیبرال طلبان، دموکراتها، جمهوری خواهان، سوسیال دموکراتها، کمونیستها، سلطنت طلبان، طرفداران حقوق بشر، سیکولر ها شامل این گروه اند که با اداره دولت از جایگاه دین مخالف بوده طرفدار موجودیت آزادیهای مدنی، سیاسی و اجتماعی در جامعه بوده و

خواهان جدایی قوای ثلاثه اجرائیه، مقننه و قضائیه و اداره دولت بر اساس قانون اساسی و قوانین مدنی مصوبه پارلمان مردم میباشند.

طالبان چگونه بار دیگر به قدرت رسیدند؟

بعد از تجدید قوا و تشکل مجدد، طالبان حملات خود را بر ضد قوای امنیتی دولت جمهوری اسلامی افغانستان از سال ۲۰۰۵ به اینطرف آغاز کرده و به تدریج شدت و وسعت بخشیدند. هدف طالبان به قدرت رساندن مجدد دولت امارت اسلامی در افغانستان بود که در این راستا از حمایت همه جانبه دولت، مطبوعات، سازمانهای سیاسی و دینی پاکستان و بخصوص سازمان استخبارات نظامی این کشور (ای اس آی) برخوردار بودند. استراتژی طالبان در راستا متکی به فرایض آتی بود:

۱. افغانستان یک کشور اشغال شده توسط امریکا میباشد؛
۲. دولت جمهوری اسلامی افغانستان که آنرا طالبان "اداره کابل" میخواندند، یک رژیم دست نشانده است که نباید هیچ مذاکره و تعاملی با آن صورت بگیرد؛ و
۳. هرگونه توافق باید با امریکا صورت بگیرد.

استراتژی فوق بر این باور دولت پاکستان استوار بود که امریکاییها در نهایت از افغانستان خارج میگردند و قدرت دوباره به طالبان تفویض خواهد شد. با تصمیم دونالد ترامپ رییس جمهور امریکا برای خروج کامل از افغانستان و هدایت قاطع او به پامپیو وزیر خارجه و زلمی خلیلزاد نماینده خاص دولت امریکا برای افغانستان برای نهایی کردن عاجل یک توافقنامه سیاسی با طالبان در ظرف شش ماه (به نقل از کتاب چان بولتن مشاور امنیت ملی دونالد ترامپ، "اطاقی که همه چیز در آن واقع شد"، ناشر سایمون و شوستر، ۲۳ جون ۲۰۲۰) این باور دولت پاکستان به حقیقت مبدل گردید. در عصر دیجیتال اطلاعات امروزی هیچ تصمیمی محرمانه باقی نمی ماند. به یقین که پاکستانیها و از طریق آنها رهبری طالبان، از این هدایت رییس جمهور ترامپ به پومپیو و خلیلزاد مطلع بودند و هیچ عجله برای راضی کردن امریکاییها از خود نشان ندادند. برعکس این خلیلزاد بود که در محدوده جدول زمانی دونالد ترامپ برای خروج از افغانستان در مذاکرات دوحه پیهم به طالبان امتیازات قایل شده کار به بجایی رسید که در ماههای جنوری-فبروری سال ۲۰۲۰ در دور دوم مذاکرات دوحه برای نهایی کردن و امضای مسوده ایکه قبلاً بالای آن با طالبان توافق شده بود،

طالبان به اضافه کردن یک ماده جدید که آزاد ساختن پنجهزار زندانی آنها بود پافشاری کردند و خلیل‌زاد ناگزیر به این پیشنهاد بدون اخذ توافق قبلی دولت جمهوری اسلامی افغانستان که زندانیان طالبان نزد آنها بود، موافقه کرد. دونالد ترامپ آنچنان در خروج از افغانستان عجله داشت که به خلیل‌زاد پیشنهاد کرد برای رسیدن به توافق به طالبان پول بدهد! (جان بولتن، همانجا).

با این پس منظر و عجله آمریکا برای خروج از افغانستان، طالبان در ۲۹ فبروری ۲۰۲۰ مطابق با ۵ رجب ۱۴۴۱ هجری قمری و ۱۰ حوت ۱۳۹۸ هجری شمسی موافقت‌نامه‌ی آوردن صلح به افغانستان را با ایالات متحده در دوحه امضا کردند. موافقت‌نامه صلح متشکل از مواد آتی است:

۱. تضمین‌ها و میکانیزم‌های اجرایی که از استفاده از خاک افغانستان توسط هرگونه گروه یا فرد علیه امنیت ایالات متحده و متحدان آن جلوگیری کند؛

۲. تضمین‌ها، میکانیزم‌های اجرایی و اعلام جدول زمانی برای خروج تمام نیروهای خارجی از افغانستان؛

۳. آزادی پنجهزار زندانی طالبان و یکهزار زندانی طرف دیگر؛

۴. امارت اسلامی طالبان مذاکرات بین‌الافغانی را با طرف‌های افغان در ۱۰ مارچ ۲۰۲۰ مطابق ۱۵ رجب ۱۴۴۱ هجری قمری و ۲۰ حوت ۱۳۹۸ هجری شمسی شروع خواهد کرد؛

۵. شرکت‌کنندگان مذاکرات بین‌الافغانی در مورد تاریخ و چگونگی آتش‌بس دائمی و فراگیر، از جمله میکانیزم‌های اجرایی بحث خواهند کرد؛

۶. همزمان با تاریخ و چگونگی آتش‌بس دائمی و فراگیر، تکمیل و توافق در مورد نقشه راه سیاسی آینده افغانستان اعلام می‌گردد؛

۷. تشکیل حکومت اسلامی جدید پس از توافق که توسط مذاکرات بین‌الافغانی تعیین می‌شود.

طوری‌که دیده می‌شود، در این توافق‌نامه هیچ تضمینی از طالبان برای رعایت حقوق بشر و بخصوص حقوق زنان و ایجاد یک دولت فراگیر که تمام اقشار مردم افغانستان در آن سهم باشند و تایید هرگونه توافق سیاسی در مورد شکل و محتوای نظام آینده توسط مردم افغانستان از راه انتخابات، ریفراندوم و یا لویه جرگه گرفته نشده بود.

در حالیکه برای مردم افغانستان مذاکره بالای تأمین آتش‌بس سراسری و دائمی و توافق بالای نقشه راه سیاسی آینده افغانستان دو موضوع کلیدی رسیدن به صلح را تشکیل می‌داد، بر عکس طالبان برای بیش از شش ماه شروع مذاکرات را مشروط به آزاد کردن پنجهزار زندانی خود دانستند. به گزارش

بی بی سی بلاخره ذبیح الله مجاهد، از سخنگویان طالبان تایید کرد که روند آزادی زندانیان دو طرف بتاریخ سوم سپتامبر ۲۰۲۰م به پایان رسیده است.

متعاقب آزاد شدن زندانیان طالبان، توافق بالای شیوه کار تیمهای مذاکره کننده چهار ماه دیگر را ضایع ساخت. به گزارش بی بی سی بتاریخ چهارم دسامبر ۲۰۲۰، مذاکره کنندگان افغانستان و گروه طالبان در قطر اعلام کرده اند که روی "شیوه کار مذاکرات بین الافغانی" به توافق رسیده اند و گفتگو روی آجندا آغاز می شود. این خبر را نادری نادری، عضو هیات مذاکره کننده افغانستان و محمد نعیم، سخنگوی دفتر سیاسی طالبان در قطر اعلام کردند. زلمی خلیلزاد، نماینده خاص آمریکا برای صلح افغانستان هم در توئیترش نوشت که "مذاکره کنندگان دولت افغانستان و طالبان برای گفتگو روی نقشه راه سیاسی و آتش بس همه جانبه روی یک سند سه صفحه ای حاوی اصول مذاکرات توافق کرده اند." او افزود: "مردم افغانستان حالا خواهان پیشرفت سریع در جهت یک نقشه راه سیاسی و آتش بس هستند. ما آرزوی آنها را می دانیم و از آن حمایت می کنیم."

ضایع کردن نه ماه بالای آزادی زندانیان طالبان و طرح شیوه کار مذاکرات از جانب طالبان نشان داد که طالبان هیچ علاقمندی برای شروع مذاکرات جدی صلح با هیات دولت افغانستان ندارند. بعد از نه ماه چانه زدن هنوز اجندای مذاکرات تعیین نشده بود و طالبان کدام طرح مشخص صلح پیشنهاد نکرده بودند. طوریکه به مشاهده رسید اشاره به تشکیل حکومت اسلامی جدید در توافقتنامه دوحه برای طالبان به معنی ایجاد مجدد دولت "امارت اسلامی افغانستان" بود از این جهت طالبان هشت و نیم ماه بعدی را تا اشغال کابل بدون اجرای مذاکرات جدی در دوحه سپری کردند. حتی گفته میشود که اعضای مهم هیات طالبان اکثراً در جلسات مذاکره حاضر نمیشدند.

بعد از امضای توافقتنامه دوحه در ۲۹ فیبروری ۲۰۲۰م امریکاییها و سایر کشورهای ناتو تعداد قوای جنگی خود را در افغانستان از ۱۲ هزار نفر به ۲۵۰۰ نفر الی تاریخ ۱۷ جنوری ۲۰۲۱ تقلیل دادند. به گزارش خبرگزاری جمهور تاریخی ۱۷ جنوری ۲۰۲۱، از قول کرسٹوفر میلر سرپرست وزارت دفاع امریکا در اعلامیه روز گذشته وزارت دفاع امریکا آمده که " امروز نسبت به هر زمانی دیگر به ختم دو دهه جنگ و پروسه صلح تحت رهبری افغانها نزدیک شده ایم که در نتیجه آن میتوان به یک تفاهم سیاسی و آتش بس دائمی دست یافت. با کم کردن سربازان در افغانستان امریکا تعهد خود را برای حمایت از پروسه صلح افغانستان و عملی کردن موافقتنامه با طالبان و اعلامیه مشترک با حکومت افغانستان، نشان می دهد. امریکا متعهد است که تعداد سربازان خود را تا پایان ماه می سال جاری در افغانستان به صفر برساند."

به گزارش دویچه ویلی بتاريخ ۱۱ مارچ ۲۰۲۱م سیگار یا اداره بازرس ایالات متحده امریکا برای بازسازی افغانستان هشدار داده که "خروج هزاران قراردادی نظامی ایالات متحده امریکا از افغانستان تا تاریخ اول ماه می، ممکن نسبت به خروج نیروهای نظامی، برای نظامیان افغان ویرانگرتر باشد. ساپکو در یک جلسه آنلاین که به حمایت مرکز تحقیقاتی «مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی» برگزار شد، گفته است که تا ماه اکتوبر ۱۸ هزار قراردادی به شمول ۶۰۰۰ امریکایی و ۷۰۰۰ هزار شهروند کشور سومی در افغانستان حضور داشتند. به گزارش بی بی سی بتاريخ اول ماه می سال ۲۰۲۱م "حدود ۲۰۰۰ سرباز آمریکایی و حدود ۷ هزار سرباز عضو ناتو در افغانستان امروز رسماً خروج کامل از افغانستان را آغاز کردند که قرار است تا ۱۱ سپتامبر تکمیل شود". در اوج جنگ در افغانستان، ۸۸ هزار سرباز آمریکایی در افغانستان حضور داشتند. در حالیکه با کم کردن تعداد سربازان امریکایی به کمترین تعداد آن در افغانستان در طول نزدیک به یک سال بعد از امضای توافقنامه دوحه، وزارت دفاع امریکا از نزدیکی ختم دو دهه جنگ و پروسه صلح تحت رهبری افغانها صحبت میکند، برعکس طالبان در این مدت در عدم موجودیت حمایت هوایی امریکاییها از اردوی ملی افغانستان، از یکطرف ابعاد و شدت جنگ را در افغانستان وسعت دادند و از جانب دیگر به بهانه های متعدد از اجرای مذاکرات جدی و هدفمند با هیات دولت افغانستان در دوحه خودداری نمودند و مذاکرات به بن بست رسید.

امریکاییها در تلاش رسیدن به یک راه حل سیاسی قبل از خروج کامل قوای خود از افغانستان، با قبول بیهودگی کامل مذاکرات دوحه، پیشنهاد نمود تا یک حکومت موقتی مشارکت ملی با شمولیت طالبان در افغانستان تشکیل شود و برای اینکار یک کنفرانس در استانبول دایر گردد. یک منبع معتبر به بی بی سی به تاریخ سوم اپریل ۲۰۲۱ گفته بود که ترکیه، امریکا و سازمان ملل توافق کرده اند که نشست "سرنوشت ساز" استانبول در مورد صلح افغانستان در تاریخ شانزدهم اپریل ۲۰۲۱ برگزار شود. به گفته این منبع، این نشست قرار بود برای ده روز ادامه خواهد یافت و در آن تلاش خواهد شد تا دولت افغانستان، گروه طالبان و گروه های مختلف سیاسی روی "آینده سیاسی" افغانستان به توافق برسند. اما محمد نعیم، سخنگوی دفتر سیاسی گروه طالبان در قطر به بی بی سی گفت "هنوز توافقی در این رابطه صورت صورت نگرفته است."

سید سعادت منصور نادری، وزیر دولت در امور صلح بتاريخ ۲۱ ماه می سال ۲۰۲۱ گفت که "در طرف دولت افغانستان اراده به صلح وجود دارد ولی تحرک طالبان اراده ای برای صلح ندارد." او گفت که برای صلح افغانستان اجماع داخلی، منطقه ای و بین المللی وجود دارد ولی "طرف ما، طالبان

باید حاضر باشند در میز مذاکراه بیایند و صلح کنند." آقای نادری مدعی شد که دلیل سه بار تاخیر در نشست استانبول نیز گروه طالبان بودند و دولت افغانستان آمادگی کامل دارد اما "از طرف طالبان هیچ نوع علاقه مندی برای شرکت در نشست صلح وجود ندارد."

در حالیکه طالبان از اشتراک در کانفرانس پیشنهادی استانبول خودداری کردند اما در مقابل حملات همه جانبه خود را در تمام نقط افغانستان گسترش داده شدت بخشیدند. این در حالی بود که تا اول آگست سال ۲۰۲۱ تمام قراردادهای خارجی که به اردوی ملی افغانستان خدمات لوژستیکی، میخانیکی، مخابراتی و غیره فراهم میکردند از کشور خارج شدند.

بعد از شروع حملات همه جانبه طالبان در ماه می ۲۰۲۱م در تمام کشور الی ختم ماه جولای ۲۰۲۱ همزمان با فرارسیدن تاریخ خروج کامل نیروهای خارجی، طالبان حدود نیمی از ولسوالی های افغانستان را در کنترل خود گرفته بودند اما تا آنزمان هیچ یک از مراکز ولایات را تصرف نکرده بودند. در این مدت تمام بنادر سرحدی افغانستان با کشورهای همسایه، به استثنای بندر تورخم در ولایت ننگرهار، و بندر حیرتان در ولایت بلخ بدست طالبان افتاد. متعاقباً در ظرف ۱۳ روز، از دوم تا چهاردهم آگست تمام شهرها جز کابل بدون مقاومت بدست طالبان افتاد. چهار روز قبل از سقوط کابل عبدالله عبدالله رییس شورای مصالحه ملی به دوحه رفت تا با طالبان شخصاً مذاکره کند. به نقل از حمدالله محب مشاور شورای امنیت ملی افغانستان در مصاحبه با صدای امریکا بتاريخ ۱۷ دسمبر ۲۰۲۱، عبدالله عبدالله در بازگشت از دوحه بتاريخ ۱۲ آگست ۲۰۲۱م به جلسه امنیت ملی گزارش داد که "طالبان به صلح علاقمند نیستند" در این مصاحبه محب همچنان گفت که بسم الله محمدی وزیر دفاع و رییس امنیت ملی تأیید کردند که هیچگونه مقاومت مزید امکان پذیر نیست. در حقیقت هرگونه انگیزه دفاع و مقاومت بعد از امضای توافقنامه دوحه بین امریکاییها و طالبان که تشکیل حکومت اسلامی جدید را وعده میداد و بخصوص با شروع پروسه خروج قوای امریکایی و قراردادهای ناتو در بین افراد و قوماندانهای اردوی ملی از میان رفته بود و هر کسی در فکر معامله، نجات دادن جان خود و خارج شدن از صحنه بودند. بسم الله محمدی حتی گفته بود که "مقاومت در پنجشیر هم امکان ندارد"

به قول حمدالله محب رییس جمهور غنی حاضر شد برای انتقال مسالمت آمیز قدرت به طالبان به تشکیل یک لویه جرگه موافقت کند و قرار بود یک هیات به دوحه برود تا موضوع را با طالبان فیصله کنند اما هیچ اطمینانی خلیلزاد داده نتوانست که طالبان حاضر به مذاکره در این مورد با هیات دولت خواهد بود و یا خیر. در سه روز بعدی سقوط پی در پی شهرها طوری سرعت گرفت که در

شام روز ۱۴ آگست بعد از اشغال میدان شهر و لوگر، طالبان به دروازه های شهر کابل رسیده بودند. نیمه روز ۱۵ آگست قوماندان قوای حفاظت از رییس جمهور در ارگ به حمدالله محب اطلاع داد که بیش از این قادر به حفاظت از رییس جمهور نمیباشد. به قول حمدالله محب (مصاحبه ۱۷ دسمبر ۲۰۲۱ با صدای امریکا)، اطلاعات استخباراتی داخلی و امریکایی خبر میدادند که طالبان قصد تکرار حوادث ۲۵ سال قبل و قتل رییس جمهور را دارند. ناگزیر رییس جمهور غنی و همکاران نزدیک او به روز یکشنبه پانزدهم آگست ۲۰۲۱م کابل را با چهار هلیکوپتر ترک کرده به شهر ترمز در ترکمنستان رفتند و از آنجا به امارات متحده عرب پناهنده شدند. در همین روز جنگجویان طالبان داخل ارگ شده و دولت جمهوری اسلامی افغانستان سقوط کرد.

پایان قسمت اول